

فهرست مطالب

فصل اول.....	۲
بخش اول.....	۲
بخش دوم.....	۸
فصل دوم.....	۹
فصل سوم.....	۹
مقدمه.....	۹
وصفِ امام خمینی(ره) از قرآن.....	۱۱
چه کسی باید فرهنگ سازی کند؟.....	۱۴
تعریف لغوی انس.....	۱۶
شناخت قرآن از زبان خود قرآن.....	۱۶
اهمیت انس با قرآن.....	۲۰
تأثیرات انس با قرآن.....	۲۱
راهکار های انس با قرآن.....	۲۴
فهرست منابع و مآخذ.....	۲۶

فصل اول

مقدمه فصل اوّل

ما در این فصل در بخش اوّل به بررسی معنای واژه ی انس در کتاب المنجد می پردازیم و سپس در بخش دوم با توجه به بررسی کتاب مقایس الغه به یک معنای جامعی دست می یابیم.

بخش اول

معنای لغت (انس) در ۷ حالت طبقه بندی شده

حالت (۱) ((الف: فعل ثلاثی مجرد (ب: فعل ثلاثی مزید (ج: اسم))

فعل ثلاثی مجرد [انسَ (یانسُ) و انسَ (یانسُ) انساً و انسَهُ] - انسَ (یانسُ - انساً): رام شد "اهلی شد" بر خلاف وحشی شد "انس گرفت" وحشتش بر طرف شد.

فعل ثلاثی مزید [انسَ (یونسُ - تانیساً) و انسَ (یونسُ - ایناساً)]: وحشت او را بر طرف کرد "یا" توحشش را بر طرف و آن را رام کرد.

توضیحات: کلمه ی انس در باب افعال رفته و متعدی به نفسه است.

[تَأْنَسَ (يَتَأْنَسُ - تَأْنَسًا)]: وحشتش بر طرف شد "رام شد" انس گرفت "وحشی گریش رفع شد. [إِسْتَأْنَسَ (يَسْتَأْنَسُ - إِسْتَأْنَسًا)]: وحشت یا توحُّشش بر طرف شد "رام شد" انس گرفت.

اسم [التأْنيس]: بر طرف کردن وحشت "انس دادن.

توضیحات: این اسم، مصدر بابِ تفعیل می باشد. جامد.

[المؤنسات]: اسلحه "جنگ افزار.

[المأنوس]: چیز مأنوس که وحشت آفرین نیست "آنچه که باعث راحتی است: «مکان مأنوس» جایی که انسان در آن احساس راحتی می کند.

توضیحات: این اسم، اسم مشتق می باشد (اسم مفعول)

[الأنس و الأنسة]: ألفت گرفتن "خو گرفتن" ضدّ وحشت کردن.

توضیحات: این اسم، اسم مشتق می باشد (اسم مصدر)

حالت (۲) ((الف): فعل ثلاثی مجرد (ب): فعل ثلاثی مزید (ج): اسم))

فعل ثلاثی مجرد [أَنِسَ (يَأْنِسُ) وَأَنْسَ (يَأْنِسُ) وَأَنْسَ (يَأْنِسُ) بِهِ إِلَيْهِ]: به او انس و الفت گرفت و دلش آرام شد.

فعل ثلاثی مزید [أَنْسَ (يُؤْنِسُ - مَوَأْنِسُهُ)]: با او ملاطفت و مهربانی کرد "با او مألوف و مأنوس شد" به او آرامش و تسلی داد.

توضیحات: متعدی به نفسه است.

[تَأْنَسَ بِهِ]: به او انس و ألفت گرفت و دلش آرام گرفت.

توضیحات: این فعل در باب تَفْعُل رفته است. و متعدی می باشد.
[إِسْتَأْنَسَ به و إِلَيْهِ]: به او اُنَس و اُلْفَت گرفت و دلش آرام گرفت.
توضیحات: این فعل در باب استفعال رفته است. و متعدی می باشد.
اسم [الْأُنْسُ ج أناس]: کسی که به او اُنَس گیرند || جماعت بسیار.
توضیحات: اسم می باشد و جمع مکسر.

[الْإِنْسَةُ ج أوانس]: زن مهربان و خوش طینت و خوش سرشت || دوشیزه "دخترِ جوانِ ازدواج نکرده.

[الْأُنُوسُ]: بسیار مأنوس "خیلی اُنَس گرفته.

توضیحات: اسم مشتق می باشد (اسم مبالغه)

[الْأَنِيسُ]: ملاطفت کننده "اُلْفَت گیرنده" "تسلی دهنده" || مایه ی اُنَس "آن که به او اُنَس گیرند" || گویند: «ما بلدًا اَنِيسٌ»: هیچ کس در خانه نیست.

توضیحات: اسم مشتق می باشد (صفة مشبّه)

[التَّائِسُ - فِي التَّصَوُّفِ]: تجلّی محسوس برای جلبو تألیف نظر مرید.

توضیحات: اسم مصدر باب تفعیل.

[الْمَأْنُوسُ]: اُنَس گرفته شده ی با او: «صوتُ مَأْنُوسٌ»: صدای مأنوس که به آن عادت دارند || الْمَأْنُوسُ مطلوب یا غیر معمول و نامأنوس که به آن عادت ندارند.

توضیحات: اسم مشتق (مفعول) است.

[الْمَأْنُوسَةُ: «حَرَكَهٌ مَأْنُوسَةٌ»]: کار و حرکت مأنوس و آشنا.

توضیحات: اسم مؤنث.

حالت (۳) (الف): فعل ثلاثی مزید (ب): اسم)

فعل ثلاثی مزید [أَنْسَ الشَّيْءَ]: آن چیز را دید و به آن پی برد.

توضیحات: این فعل در باب تفعیل رفته و متعدی شده است.

[أَنْسَ هَ]: آن را دید و به آن پی برد || أَنْسَ الصَّوْتُ: صدا را شنید || أَنْسَ

الشَّيْءَ: آن چیز را دید: «أَنْسَ مِنْ جَانِبِ الطَّوْرِ نَارًا»: دید از سمت طور آتشی را.

توضیحات: این فعل در باب افعال آمده و متعدی شده است.

[تَأَنَّسَ السَّبْعُ]: حیوان درنده بوی شکار را ازدور شنید.

توضیحات: این فعل در باب تَفَعَّلَ آمده و متعدی شده است.

[إِسْتَأَنَّسَ لَهُ]: به او نگریست و به سخنانش گوش فرا داد.

توضیحات: این فعل در باب استفعال آمده و متعدی شده است.

اسم [إِنْسَانٌ - الْعَيْنُ]: مردمک چشم یا عکسها یی که در مردمک چشم دیده می شود.

حالت (۴) (الف): فعل ثلاثی مزید (ب): اسم

فعل ثلاثی مزید [تَأَنَّسَ]: انسان شد "آدم شد.

توضیحات: این فعل در باب تفعّل رفته است.

اسم [الإنس ج أناس و أناسی]: بشر یا غیر از فرشتگان و جنها. «إِنْسُكَ و ابنُ
إِنْسِكَ»: مونس و همدم تو.

توضیحات: اسم، جمع مکسر.

[الإنسان ج أناسی و أناسیة و آناس]: آدم "بشر" انسان "چه زن باشد و چه
مرد. و در بیت شعر إنسانه ی نیز آمده است.

[الإنسانی]: منسوب به الإنسان "انسانی" طبیعت انسانی و غیره || دوستدار
انسان "انسان دوست" بشر دوست "«رجلٌ انسانیُّ»: ایجاد دار الایتام کاری بشر
دوستانه است || ملازم و همراه انسان که از او جدا نشود "مثل" حسد که در
وجود انسان است.

توضیحات: اسم متصرف منسوب است.

[الإنسانیات]: علوم قدیمی لاتینی و یونانی که در برابر الاهیات است || اسم
عام است برای درسهای ادبیات و فلسفه و ادیان و تاریخ و فنون و غیره "علوم
انسانی.

توضیحات: جمع مؤنث

[الإنسانيّة]: آنچه که ویژه ی انسان است "انسانی" و بیشتر برای اوصاف پسندیده به کار می رود "مثل: جود و کرم و اخلاق" انسانیت || «الحَسَدُ حَقِيقَةُ إِنْسَانِيَّةٍ»: حسد واقعی است که در درون انسان قرار دارد || «طَبِيعَةُ إِنْسَانِيَّةٍ»: سرشت انسانی || علاقهٔ إِنْسَانِيَّةٍ: وابستگی و علاقه ی انسانی. [التأنيس]: نسبت دادن صفات و کارها ی انسان به موجودات دیگر.

توضیحات:

[الإنسيّ و الأنسيّ]: یک انسان.

توضیحات:

حالت (۵) (الف): اسم

اسم [الإنسان ج أنای و أناسیه و أناس]: زمین بایر یا زراعت نشده.

[الأنيس]: مرغ غم خورک "مالک الحزین" بوتیمار.

توضیحات:

حالت (۶) (الف): اسم

اسم [إنسولين]: دارویی است برای درمان بیماری قند (دیابت). ماده ای است که در بدن تولید شده و قند خون را کنترل می کند و از آن ماده برای درمان دیابت هم استفاده می شود "انسولین".

حالت (۷) (الف): اسم

اسم [الأنيسون]: گیاه انیسون "بادیان رومی". «یانسون» اصطلاح عامیانه ی آن است (یو).

بخش دوم

بررسی معنای جامع

پس از بررسی استعمالات و بررسی معنای لغت انس در کتاب التحقیق به این معنای جامع دست یافتیم.

انس ضدِ توحش

أنَّ الأصل الواحد في هذه المادَّة: هو القرب مع الظهور بعنوان الاستيناس، في مقابل النفور و الوحشة و البعد.

زیرا استعمالات زیادی از این معنا در احادیث ذکر شده است.

فصل دوم

در این فصل به بررسی آیات و روایاتی می پردازیم که ریشه ی انس در آیات ۳۳۸ بارودر روایات ۳۴۲۰ بار به کار رفته است.

۲۳۲ بار به صورت فعل مضارع ومابقی به صورت اسم می باشند که در آن اسم های مشتق کمی وجود دارد.

فصل سوم

انس با قرآن کریم

مقدمه

به آنچه که از فصل اوّل و دوم برآمد یعنی اینکه برای نوشتن این مقاله ناچار بودیم تا معنای دقیقی از این لغت را داشته باشیم. مقاله ی ای را در باب انس با قرآن نوشتیم امید است که مفید باشد.

مقدمه

قال أمير المؤمنين (عليه السلام): القرآنُ أمرٌ زاجرٌ، و صامتٌ ناطقٌ.

قرآن فرماندهی بازدارنده، وساکتی گویاست.

آیت الله قاضی (ره): من هرچه دارم از قرآن و سیدالشهداء

دارم.

قرآن کتابی کامل و ریسمانی استوار و بی نظیری است که از جانب خداوند متعال برای هدایت گری انسان به سوی سعادت نازل و فرستاده شده است. و برای رسیدن به این سعادت مندی چیزی را فرو نگذاشته است. به این دلیل خداوند به صراحت می فرماید: وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ (۳۸)

و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست، و نه هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می کند، مگر آنکه گروه‌هایی مانند شمایند ما چیزی را در کتاب [تکوین از نظر ثبت جریانات هستی و برنامه‌های آفرینش] فروگذار نکرده‌ایم، سپس همگی به سوی پروردگارشان گردآوری می شوند.

و این در حالی است که این کتاب از تحریف مصون مانده است و هرگز کهنه نخواهد شد و هر اندازه که از زمان نزولش می گذرد بیشتر به اسرار و شگفتی های آن پی می برند و بنا بر سفارش رسول اکرم (حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم)) که فرمودند: در کنار عترت می بایست به آن (قرآن) تمسک ورزید.

وصف امام خمینی (ره) از قرآن

قرآن یک سفره ای است که انداخته شده است برای همه طبقات، یعنی یک زبانی دارد که هم زبان عامه است و هم زبان فلاسفه و هم زبان عرفانی و هم زبان اهل معرفت به حسب واقع است...!

أنس با قرآن، تلاوت و تدبیر در قرآن باعث رخنه‌ی نور قرآن در دل انسان است که نتیجه‌ی کسب این نور و قرار گرفتن در این پرتو، اینست که انسان خود واقعی خویش را بهتر می‌شناسد و هر کس خود را شناخت خدا را شناخته است. سپس قرآن تأثیر خود را گذاشته و انسان دیگر دردی نخواهد داشت، زیرا:

قرآن: شفای هر دردی است.

أنس با قرآن، تلاوت و تدبیر در قرآن، بشر را در فرو رفتن از عالم حیوانات نجات می‌دهد و باعث زده شدن جرقه‌های علمی و معنوی است که خود قرآن و قرآن ناطق (أهل بیت علیه السلام) تبیین کننده‌ی مسیر درست آن‌ها هستند.

حال، با توجه به این شناخت اجمالی از قرآن و نکاتی که در رابطه با أنس قرآن مطرح شد در این نوشتار سعی داریم تا اهمیت أنس با قرآن را بیشتر تبیین کنیم چرا که متأسفانه در نزد مردم أنس با امور دنیوی مقدم بر امور معنوی شده و این یعنی یک زنگ خطر زیرا (علیه السلام) در رابطه با حبّ به دنیا فرموده اند: (حُبُّ الدنیا رأسُ کلِّ خطیة). حبّ به دنیا ریشه‌ی همه‌ی گناهان است. و این به این معناست که دارد یاد خدا کمتر می‌شود و زمانی که یاد خدا کمتر شد گناه و فساد زیاد می‌شود، مثل فسادهایی که در جهان می‌بینیم، فسادهای مالی "فسادهای جنسی" قتل‌ها و کشتارها...! که نمونه‌ی بارز آن داعش و دولت‌هایی که آن‌ها را حمایت می‌کنند می‌باشد. و در اینجا است که متوجه می‌شویم چرا امیر المؤمنین آن قسم‌ها را می‌نهج البلاغه (للصبحی) خوردند و می‌فرمودند: (اللّٰهُ اللّٰهُ فِی الْقُرْآنِ لَا یَسْبِقُکُمْ بِالْعَمَلِ صالح) / ۴۲۲ / ۴۷

باید چشم دل باز کنیم و ببینیم که بی‌ایمانی چه می‌کند، انسان بی‌ایمان دیگر حدّ و مرزی بر کارهای شهواتی خود ندارد، لذا عقل و فطرتش در گرو شهوتش قرار می‌گیرد و این یعنی همین چیزهایی که می‌بینیم.

باید به تاریخ رجوع کنیم، وقتی به تاریخ نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که هر کشور و هر دولتی که فریاد عدالت، نظام مندی، اخلاق و معنویت (که این‌ها همان فریاد اسلام است) را زده و به آن عمل کرده سالم و سلامت پابرجا مانده و پیشرفت کرده. اما الآن چه! ما کی به حرف‌های قرآن عمل کردیم.

قرآن می‌گوید: "صدق" عدالت "احسان" خدا پرستی "وما بر عکس عمل می‌کنیم. چرا ما بر فطرت خود پا گذاشته ایم؟ چرا؟

هرچه انسان خود را از خط و مسیر این نور الهی دور تر کند بیشتر در گمراهی قرار می‌گیرد که نتیجه اش نابودی است. ولی اگر خود را در مسیر این رایحه ی الهی قرار دهد می‌بیند که آبادانی حاصل می‌شود کافی است ایمانمان قوی باشد.

اصلا در همین کشور عزیزمان ایران با وجد اینکه ما دغدغه و فکر و ذهنمان اسلام است آیا اما واقعا حق مطلب را ادا کرده ایم البته ما نمی‌خواهیم بگوییم فعالیت نداشته ایم، خیر و اگر این را بگوییم بی انصافی کرده ایم ولی شیعه باید برای صد در صد کردن مطلب خود تلاش کند.

ما باید این کتاب روشن، این ریسمان الهی را آنطور که شایسته است معرفی کنیم و در صدد برآورده کردن مطالب آن باشیم.

خُب برای عملیث کردن آن قدری هم دولت مردان ما دخیل هستند قدری هم مراکز فرهنگی ما، مساجد ما، صدا و سیمای ما، همه مسؤل اند.

حضرت امام خامنه ایی در نوروز سال ۱۳۹۳ در مشهد مقدس در رابطه با فرهنگ فرمودند:

"فرهنگ به معنای هوای یک کشور است!"

خُب بهترین فرهنگ چیست؟ پاسخ مشخص است بهترین فرهنگ، فرهنگ قرآن، اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت است؛ و همه ی مشکلات ما این است که ما در هوای اسلام و قرآن و اهل بیت تنفس نمیکنیم! و آنوقت میگوییم چرا انقدر مشکلات داریم، این چرا ها از کم همتی ما می آید.

چه کسی باید فرهنگ سازی کند؟

قرآن نباید فقط زینت طاقچه های ما باشد، بلکه قرآن راه گشا و مشگل گشاست، قرآن به انسان می فهماند چه سبکی در زندگی داشته‌په باشد چگونه حرف بزند چگونه بپوشد و بخورد؛

قرآن و اسلام هم برای دنیا و هم برای آخرت است. یعنی ما هم غلط فکر میکنیم و میگوییم قرآن فقط جنبه ی معنوی دارد و به درد دنیا نمیخورد! خب معلوم است این حرف، حرف سخیفی است چرا که وقتی به قرآن رجوع می کنیم و این معجزه را به عینه می بینیم، متوج میشویم که در هر بابی سخن گفته است و به ما خط و مشی میدهد و البته ما نباید از این نکته غافل شویم که پیمودن این راه با قرآن بدون اهل بیت یا قرآنی که مارا به شناخت اهل بیت نمیرساند، محال است و در مواردی هم داشتیم که اتفاقا از همین روحانیون "البته به ظاهر" امثال سروش و ... بخاطر دوری از همین دو نور گمراه شدند.

خب سرتان را بدرد نیاوریم، ولی انصافا ما در حق قرآن ظلم کردیم.

اما در پایان از خداوند متعال می خواهیم تا بحق قرآن و اهل بیتش و بحق خون شهدا همه ی خدمت گذاران به دین مخصوصا مقام معظم رهبری و مراجع عظام تقلید را طول عمر با عزت بدهد تا این وظیفه مهمی که بر دوش ماست را به سر منزل برسانیم.

مهدی صالحی

۱۳۹۳/۱۱/۳۰

با توجه به آنچه گفته شد دیدیم که جایگاه قرآن و انس با قرآن جایگاه ویژه و مهمی است لذا برای تبیین بیشتر این جایگاه اجمالا توضیحاتی رادر عنوان هایی مطرح خواهیم کرد.

عناوین

(۱) تعریف لغوی انس

۲) شناخت قرآن از زبان خود قرآن (قرآن چگونه کتابی است؟)

۳) اهمیت اُنس با قرآن

۴) تاثیرات اُنس با قرآن

۵) راهکار های اُنس با قرآن

۶) نتیجه گیری

۱. تعریف لغوی اُنس

رام شد "اهلی شد" بر خلاف وحشی شد "اُنس گرفت" وحشتش بر طرف شد

۲. شناخت قرآن از زبان خود قرآن

(قرآن چگونه کتابی است؟)

مادر این بخش میخواهیم اهمیت قرآن را از دیدگاه خود قرآن و لسان وحی مورد بررسی قرار دهیم، لذا آن را در دو باب مطرح میکنیم:

۱- نزول قرآن کریم ۲- اوصاف قرآن کریم

۱_ نزول قرآن کریم:

الف) زمان ، منشاء و وسیله ی نزول قرآن کریم:

قرآن زمان نزول کتاب(به صورت یکجا را) شب قدر که یکی از شب های فرد « إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ : دهه ی آخر ماه رمضان است ذکر می کند و میفرماید
«^۱

که البته در جایی دیگر مثل آیه ی سوم سوره دخان شب قدر را بنام شب مبارک ذکر کرده است.

با توجه به آیات ۴۱ سوره ی مبارکه زمر إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَآيَةَ ي ۴ طه تَنْزِيلًا مِمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى وَآيَةَ ي ۴۲ فَصَّلَتْ تَنْزِيلًا مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ

قرآن منشاء نزول خود را پروردگار، خالق آسمان ها و زمین و خداوند حکیم حمید، که همه، رب العالمین خدا را میرساند، اعلام میکند.

^۱.سوره ی مبارکه ی قدر آیه ی ۱

وسيله نزول روح القدس (جبرئیل امین) است که در آیه ی ۱۰۲ سوره نحل به آن اشاره شده استقلُ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هُدًى وَ بُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ

ب) هدف از نزول قرآن کریم:

۱. برای تمسک: فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ
۲. برای پیروی: وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ
۳. برای تدبر: كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ
- و قِيَمًا لِيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِنْ لَدُنْهِ ۴. برای انذار: هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَ لِيُنذِرُوا بِهِ
۵. برای افزایش ایمان: فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَ هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ
۶. برای مستقیم شدن: لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ
۷. برای خروج از تاریکی به سوی نور کتاب انزلناه إليك لتخرج الناس من الظلمات إلى النور
۸. برای هدایت به حق و صراط مستقیم يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَ إِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ
۹. و ...

ج) محتوای پیام منزل

قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ ۱. بدون کژی و کاستی: لَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا

۲. شامل تصریف وعده: وَ كَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَ صَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ
قرآن خود را کتاب عربی معرفی میکند که در آن همه گونه ها تصریف شده

۳. تفصیل همه ی امور اُ فَعَيَّرَ اللَّهُ أَبْتَغَى حَكَمًا وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَ
الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

۴. ناتوانی جن و انس در آوردن مانند آن (تحدی قرآن): قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ
الْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا

۵. تأویل قرآن: وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ

یکی از نکات مهمی که قرآن درباره ی محتوای پیام منزل بیان میکند این است
که تأویل صحیح قرآن را فقط خداوند و راسخون در علم (ائمہ اطهار) میدانند.

۲- اوصاف قرآن کریم

۱. کتاب عزیز: وَ إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ

۲. کتاب حکیم: تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ

۳. کتاب کریم: إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ (۷۷) فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ (۷۸) لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (۷۹)

۴. بیان همه چیز: تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ

۵. وسیله ی تذکر: فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ

۶. وسیله ی هدایت مردم: نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَ أَنْزَلَ التَّوْرَةَ
وَ الْإِنْجِيلَ (۳) مِنْ قَبْلِ هُدًى لِلنَّاسِ

۷. هدایت به استوارترین راه: إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ

۴) اهمیت انس با قرآن

از صحبت هایی که هم در مقدمه و هم در بخش سوم عناوین در رابطه با قرآن آید که قرآن دارای امتیازات ویژه ایی است که خط دهنده در ذکر شد بر می همه ی امور است چنان چه امام سجاد میفرمایند: **۳۲۱۶۵۴۹۸۷**

اهمیت یک موضوع زمانی مطرح میشود که در صورت بود و نبود آن چه مزایا و زیان هایی به بار می آید. خب واضح و روشن است نبودن انس با قرآن عین نبودن با خود قرآن است!

زیرا زمانی قرآن اثر گذار است که با آن مانوس شویم، انس با قرآن این گونه نیست که ما بگوییم خب هرروز چند صفحه ایی قرآن میخوانیم (حالا، بعضی وقت ها به معنا هم توجه نمیکنیم و حتی به ترجمه اش هم نگاه نمیکنیم)

نه ، نباید این گونه باشد، این که انس با قرآن نشد!

انس با قرآن یک برنامه ریزی می طلبد، یک جدیت؛

جدای از برنامه ریزی (فعالیت قرآن ما) باید تحت نظر استاد باشد، استادی که بتواند علاوه بر کار های جانبی قرآنی (مثل صوت و لحن) تفسیر و ترجمه

و القای مفاهیم را هم داشته باشد. اُنس با قرآن اینگونه است که انسان آن قدر خود را در این مسیر نورانی قردادده باشد تا در مقابل هر کژی و نادرستی یک وسیله ای برای تشخیص راه درست از غلط داشته باشد و این تشخیص حاصل نمی شود مگر با اُنس و مأنوس شدن و غرق شدن در مفاهیم الهی لذا دیدمان نسبت به قرآن محدود به زمان و مکان نباشد بلکه در همه حال با قرآن باشیم چرا که اثرات و برکات فراوانی به همراه دارد و این توجیه را به جوانان عزیزمان می کنم که با قرآن اُنس داشته باشند چرا که قرآن در همه چیز راه گشاست. ذکر شود که این جملات از کیست.

۳) تأثیرات اُنس با قرآن

مأنوس بودن با قرآن حدّ و مرزی ندارد چون که قرآن نامحدود است و مانند دریاچه ای نیست که دیگر آبش تمام شود و بگوییم خُب دیگر قرآن کارایی ندارد، خیر و ما این را ثابت کردیم که قرآن دریایی عمق از هر آنچه ما می خواهیم است و هم اکنون پیش از گذشت تقریباً ۱۴۰۰ سال فقط به بعضی از چیزهایی آن دست یافته ایم و از خداوند می خواهیم تا با ظهور ولیّش حجّه ابن الحسن (عج) ما را بیشتر با خود آشنا کند.

خلاصه، منظورمان این بوده که تأثیرات اُنس با قرآن به میزان مأنوس بودن از لحاظ کیفیت و کمیت بستگی دارد مثلاً شخصی که حافظ قرآن است و هر روز دائماً با قرآن سرو کار دارد با کسی که هر روز ولی با وقت مختصر و آن هم

بدون کیفیت، منظورم (اشتباه خواندن، بدون لحن،...) متفاوتند. شخص اول هر روز سخنان خدا را تکرار می کند و این معنای عمیق هر روز برایش تداعی می شوند. خُب، هر روز بهتر از دیروز می شود و اگر تعمق بیشتری کند سرعت سیرش صعودی می شود. اگر بخواهیم بگوییم تأثیرات اُنس چیست باید بگوییم تأثیرات اُنس با آن رابطه ی مانوسیتیکه قابل رشد است این گونه است که ما به سخنان قرآن جامه ی عمل بپوشانیم و می شویم فردی قرآنی، که سخنانمان، رفتارمان، زندگیمان قرآنی شود، فرمان قرآنی می شود و بدون شک بر دیگران هم تأثیر می گذاریم چرا که هوایی که ما در آن نفس می کشیم قرآنی است و کسانی که با ما مراوده دارند هم در این فضا قرار می گیرند.

با توجه به محدودیت نوشتاری که داریم به مواردی از تأثیرها ی اُنس با قرآن اشاره می کنیم.

(۱) تأثیر اُنس با قرآن در تربیت فرزند: شخص مانوس شده با قرآن وقتی به آیات قرآنی مربوط به تربیت فرزند می رسد سعی بر این دارد تا فرزندان خود را آن طور که قرآن گفته تربیت کند مثلاً در آیات (۱۱- تا- ۱۴) سوره ی یوسف حضرت یعقوب یوسف را به گردش و بازی می فرستد و این در حالی است که بازی و سرگرمی نیاز فطری و طبیعی فرزندان است.

و یا در جایی دیگر آداب اجمالی را به فرزندان تعلیم می دهد. و...!

(۲) تأثیر اُنس با قرآن در اقتصاد: برای روشن شدن مطالب باید به آیات رجوع کنیم تا متوجه شویم که قرآن در مورد اقتصاد چه گفته است مثلاً آیاتی که در باب اقتصاد است، مثل:

الف) آیه ی ۲ سوره ی مایده: "تعاون و همکاری" یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَ لَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَ لَا الْهَدْيَ وَ لَا الْقَلَائِدَ وَ لَا آمِنَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَ رِضْوَانًا وَ إِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

وَ لَقَدْ نَعَلِمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ ب) آیه ی ۱۰۰ سوره ی نحل: "منابع طبیعی" .
بَشَرٌ لِسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَ هَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ

پ) آیه ی ۷۴ سوره ی أعراف: "مسکن و خانه سازی" وَ اذْكُرُوا إِذْ جَعَلْنَاكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَ بَوَّأْنَاكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سَهُولِهَا قُصُورًا وَ تَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا .
فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

ت) آیه ی ۱۲۰ سوره ی آل عمران و ۳۹ سوره ی روم: "بانک داری بدون ربا" إِنْ تَمَسَسْكُمُ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَ إِنْ تُصِيبْكُمُ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَا لِيَرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا ! . كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ
يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ

ث) آیه ی ۹۵ سوره ی أنعام: "کشاورزی" إِنْ اللَّهُ فَالِقُ الْحَبِّ وَ النَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ
مِنَ الْمَيِّتِ وَ مُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكُمُ اللَّهُ فَأَنْتَى تُؤْفَكُونَ

ج) آیه ی ۱۵۳ سوره ی أنعام و ۸۵ أعراف: "خرید و فروش" وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي
مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَ صَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ
وَ إِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ ! .

مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ
إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

۵) راهکار های انس با قرآن

با توجه به اهمیت موضوع و مطالب گفته شده، مواردی از راهکار های انس با قرآن را إجمالاً ذکر می کنیم .

۱) توجه ویژه ی همه ی ارگان ها به فرهنگ سازی قرآن

۲) شناساندن کتاب قرآن به عنوان کتاب زندگی

۳) هماهنگی همه ی مراکز (فرهنگی، بسیج، و...) در یک منطقه مثل شهر یا روستا، برای کار ها و فعالیت های قرآنی

۴) صدا و سیما: اختصاص دادن شبکه های بیشتر و برنامه های مدون و منظم قوی در بحث آموزش قرآن کریم

۵) برگزاری نشست ها و مسابقات قرآنی حتی در روستا ها

۶) خانواده: نقش پدر و مادر در انس گرفتن فرزند با قرآن در همان زمان کودکی

۷) استفاده از ظرفیت های موجود در مراکز فرهنگی و یکپارچه گی این مراکز با مساجد

۸) توجه ویژه به قرآن در مجالس "عروسی، جشن تولد، سوگواری، و...)

و...!

نتیجه

از کلیه ی این مطالب و توضیحاتی که در این مجموعه بیان کردیم در می یابیم که قرآن باید در زندگی یک انسانِ موحد در رأس قرار بگیرد و تمام الگوها را از قرآن بگیرد و هر لحظه خود را به قرآن عرضه کند و در همه حال با قرآن باشد و این امر حاصل نمی شود مگر "انس با قرآن داشتن"
و نتیجه ی این کار سعادت است هم در دنیا و هم در آخرت.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

در آمدی بر تاریخ ادیان در قرآن، دکتر عبد الرحیم گواهی

نگرانی های پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)، حیدر مظفری ورسی

احادیث الطّلاب، شاکر برخوردار فرید

مصطفوی، حسن، التحقیق فی الكلمات القرآن الکریم

احمد بن فارس، مقایس الغه

معلوف لویس المنجد